

بعد از سلام و اظهار محبت و ارادت، مکتوب ۲۶ نوامبر شما را گرفتم. اینک شعر «کوک طغزن» را بشما پس میفرستم. من کوییه آن را برداشتم ام.

سوره‌های شما را برضی تو روشن زاده دقت در بیمارخانه برداش دادم خواند، خیلی تعریف کرد و از طرف خود بنشر توصیه نمود و ضمناً گفت که ژاله در بعضی سوره‌های خود بگذرد آبرو است، او حکماً باید تبا جگت بیاید و در اینجا

مدتی در دیک حیات ریو بلیه ما بخورند. واقعاً که!

در آخر ماه نوامبر در اینجا بلینوم اتفاق نویندگان گذاشت،

بعد با نویسندگان جوان سمینار گذاشته شد، رفقا همه میبودند. حالا

درین روزها در یکسویه نظم سوره‌های شما را میخوانیم و سایر روزها به نشریات توصیه میکند.

شما اگر ممکن شد مقاله ای را که عامه به ایجادیات شما نوشته شده است

دانشی را که برای نوشتن یک سر سخن لازم میشود، بفرستید. امتحان میکنم اگر

زورم رسید برای مجله که مقدمه می نویسیم.

درین روزها ما بگذرانیدن جشن هفتاد و پنج سالگرد تولد

ارتداد لاسوتی حاضری می بینیم. ۱۲ دی کابرسویه آکادمیای فنجا

۹۲

بخشیده با بیادیات استاد گذرانیده شود، بزه نیز در آنجا مورد عنایتی دارم.

فکر رفتار بعد از خواندن سوره ها مفصل بشما می نویسم.

سلامتی شما، برادر عزیزم و فرزندان شما را خواهام. بکارهای

خلافت شما موفقیت بخوانم.

کام در صفتها بشما سلام دارند. بیرون باید نیز دیگری برای تمام

کردن کار دیگر تا رسیدن خود برود، البته بدین تمام می آید.

با سلام و احترام تمام رحیم

دوشنبه ۵ دی ماه ۱۹۶۲